

نشریه پژوهش زبان و ادب فارسی شماره ۱۳، تابستان ۸۸

نقد لغات علمی ساخته شده در فرهنگستان و اصلاح آنها

نویسنده :

دکتر امید مجد

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

چکیده

یکی از بزرگترین نیازهای روز زبان فارسی، ترجمه و مقابله با هجوم و حضور هزاران لغت علمی است که همراه با علوم و فنون مختلف، بزبان فارسی سرازیر شده اند. بدیهی است این امر نیازمند آگاهی، تحقیق و تمرین لغتسازان و مترجمانست. از سوی دیگر لازمست تا علاوه بر لغتسازی جدید، لغات علمی را که تاکنون دیگران ساخته اند نقد و بررسی نموده و علاوه بر طرح معایب و محاسن آنها، لغات نادرست را حذف کرد. هدف این مقاله نیز همین است و پس از ارائه تئوریهای کلی لغتسازی، چهل لغت در رشته های مختلف علمی را که توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد فرهنگ (که در رژیم پهلوی کاری مشابه فرهنگستان امروز را میکرد) ترجمه شده اند، بررسی میکند و معایب آن را بر می شمارد. همچنین برای اکثر لغات نقد شده، لغات جایگزین پیشنهاد شده اند.

کلمات کلیدی:

زبان روز، دستور درست، مفهومی و کاربردی، علمی.

مقدمه

هدف اصلی این مقاله، نقد لغات ساخته شده فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه علوم مختلف است. بدین منظور ابتدا اشاره ای به اصول نه گانه فرهنگستان در زمینه لغتسازی و نقد آن خواهیم داشت.

آنگاه معایبی را که این ترجمه ها دارند بصورت فهرستوار همراه با ذکر یک مثال برای هر کدام می آوریم. در ادامه روشهای دیگر محققان اهل فن را در واژه سازی ذکر خواهیم کرد و شیوه های خود را نیز شرح خواهیم داد.

در پایان به توضیحات مندرجات جدول نقد لغات می پردازیم و چهل لغت را نقد خواهیم کرد.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اصول نه گانه خود را پیش از این در کتابی به نام «اصول و ضوابط واژه گزینی» به چاپ رسانده است (فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۱۳۷۸)، فشرده آن اصول بشرح زیر است:

اصل ۱: در انتخاب معادل فارسی برای واژه های بیگانه، واژه فارسی حتی الامکان باید به زبان معیار امروز نزدیک باشد.

اصل ۲: در واژه‌گزینی باید قواعد دستور زبان فصیح و متداول امروز رعایت شود .

اصل ۳: قواعد آوایی در آن رعایت شود و کلمات تنافر حروف نداشته باشند و لغت فارسی ، حتی الامکان از لغت بیگانه کوتاهتر باشد .

اصل ۴: لغات انتخاب شده تصریف پذیر و اشتقاق پذیر باشند .

اصل ۵: نو واژه‌های معادل هر خوشه واژگانی باید هم‌ریشه و هم‌پایه باشند .

اصل ۶: معنای واژه زودیاب و روشن باشد .

اصل ۷: برای هر لفظ، ترجیحاً فقط یک معادل برگزیده شود و از تنوع و تعداد واژه‌ها پرهیز گردد .

اصل ۸: یافتن معادل برای آن دسته از واژه‌های بیگانه که جنبه جهانی و بین‌المللی یافته‌اند ضروری نیست .

اصل ۹: در موارد معدودی که گزینش واژه معادل در قالبهای مرسوم زبان فارسی متداول میسر نباشد و ضرورت استفاده از روشهای تازه احراز شود بر طبق رأی شورای فرهنگستان عمل خواهد شد .

پیش از این ، اصول نه‌گانه فوق بصورت مبسوط در مقاله‌ای نقد شده‌اند (منشی زاده ، بابک شریف :) و برای جلوگیری از تطویل کلام در اینجا ذکر نمی‌گردند .

بنظر اینجانب فرهنگستان محترم در بسیاری از موارد اصول نه‌گانه خود را رعایت نکرده است مثلاً در لغت « هواویز » بجای Aerosol اصلهای اول و دوم و ششم رعایت نشده‌اند!

شرح کلی معایی که لغات ترجمه شده فرهنگستان دارند و در جدول نقد لغات آمده‌اند :

۱- نامفهوم : یعنی معنای لغت معادل هرگز قابل فهم و زودیاب نیست مانند : مانک بجای پارک و آبوا بجای هیدروزول .

۲- دستور غلط : یعنی ساختار دستوری لغت مورد نظر منطبق با دستور زبان فارسی نیست مانند لغت شیشش بجای شیشه‌ای شدن ، که ابتدا مصدر شگفت انگیز شیشیدن را ساخته و سپس از آن اسم مصدر ساخته‌اند . باید توجه داشت که افزودن شین مصدرساز به بن مضارع ، قیاسی نیست بلکه سماعی است ، یعنی نمیتوان این «ش» را به تمام بنهای مضارع افزود و اسم مصدر ساخت چنانکه روش از رفتن ، درست ، اما دوش از دویدن نادرست است . افزون بر آنکه در این مورد خاص (شیشش) اصولاً «شیش» را بن مضارع «شیشه‌ای شدن» پنداشتن ، خلاف قواعد زبان است .

۳ - عنصر مرده دستوری : به این معنا که از عناصر مرده دستوری فارسی دری یا زبانهای پهلوی و باستان استفاده کرده و لغت جدید ساخته اند مانند استفاده از پسوند «آل» در لغت تختال علامت گذاری در ترجمه marking off slab .

۴ - ترجمه تحت اللفظی : لغت مورد نظر ، بدون توجه به کاربرد و خاصیتش ، تنها بصورت تحت اللفظی ترجمه شده است مثلاً لغت آبگَره بجای hydrospher که مفهومی را نمیرساند (معنای اصلی این لغت ، « سطح زیر آب زمین » است) .

۵ - حذف بیدلیل : منظور آنست که خلاف اصول شناخته شده زبان فارسی ، حرف یا حروفی از لغات ، بیدلیل حذف شده اند و بالطبع لغت بی معنا گردیده است مانند «فشر گستر» بجای «فشارنده و گسترده» و «هوایاد» بجای «دستور العمل پرواز»، در ترجمه Notice for airman . (۱)

۶ - خلاف ذوق : مانند پوشک بجای کاور ، چرا که پوشک پیش از این بعنوان « پوششی که به نوزادان می بندند » شناخته شده است یا « پس خنک کن » بجای « خنک کننده نهائی » در ترجمه After cooler .

۷ - لغاتی که غلط ترجمه شده اند : مثلاً رده را واحد شمارش برای واگنهای قطار که دنبال هم چیده شده اند ، انتخاب کرده اند در حالیکه « رده » ، واحد شمارش برای چیدنیهای عمودیست مثلاً « رده های آجر که روی هم چیده میشوند » ، و برای چیدنیهای افقی ، « لغت رشته را باید بکار برد مانند همین واگنهای قطار که رشته وار چیده میشوند نه رده وار!

۸ - لغاتی که بیدلیل ترجمه شده اند ، که با علامت اختصاری « بیدلیل » در جدول نشان داده شده اند . یعنی لغاتی که قبلاً معادل آنها در زبان فارسی وجود داشته است ، یا به شیوه استعاری قابل تعمیم به لغت جدید بیگانه اند . (۲) مثلاً بجای demurrage که بمعنای « خسارت دیر تخلیه کردن بار است » ، معادل « دیرانه » را برگزیده اند در حالیکه نیازی به این لغت جدید نیست زیرا در زبان لغاتی مانند خسارت ، جریمه ، دیرکرد ، تاوان و ... وجود دارند که در همین معنا بکار میروند (بگذریم از اینکه ، دیرانه ، عیب معنائی و دستوری هم دارد) .

شیوه ما در لغتسازی :

در میان منابعی که راجع به ترجمه وجود دارند ، انواع روشهای لغت سازی در سه منبع بیشتر آمده اند (۴) . ما بر اساس آن روشها و الگوبرداری از دیگر منابع موجود ، روشهای خود را

برگزیده ایم بگونه ای که فاقد هشت عیب برشمرده پیشین باشد و علاوه بر آن روشهای زیر را بکار برده ایم :

۱- هرچقدر لغت قدیمی تر باشد از اولویت ترجمه خارج میشود بنابراین ساخت معادل برای لغاتی چون تلفن ، از لحاظ نگارنده لزومی ندارد مگر آنکه علیرغم قدمت ، همچنان نامفهوم باقی مانده باشد مانند الکترو آنسفالوگرافی .

۲- لغت ساخته شده حتما مفهوم باشد مانند دماسنج بجای ترمومتر ، بنابراین لغاتی مانند "هوایز" بجای آئروزول قابل قبول نیست .

۳- منطبق با دستور زبان فارسی باشد ، بنابراین «نشستش» ، بجای «رسوب» قابل قبول نیست زیرا «ش» مصدرساز به بن ماضی نمی چسبد .

۴- یک وجه نامگذاری برای اشیاء چند وجهی، مثلا "سازمان آتش نشانی" خدمات متعددی را انجام میدهد ولی تنها یکی از آنها (نشاندن آتش) در نامگذاری آن بکار رفته است .

۵- پذیرش ترجمه تحت اللفظی در برخی موارد (نه همه موارد) مانند برج تقطیر بجای distillate tower ، ولی "راه بالا" بجای آند قابل قبول نیست .

۶- بر اساس کاربرد شیء ، مانند «چرک خشک کن» یا «ضد چرک» بجای آنتی بیوتیک

۷- بر اساس شکل شیء ، مانند دم باریک (نوعی ابزار)

۸- بر اساس شباهت شیء به شیئی دیگر در طبیعت ، مانند شنای قورباغه

۹- در بعضی موارد یک لغت بیگانه را بعنوان لغت پایه بسیط برگزیده و از آن مشتق ساخته ایم مانند پلیمرسازی ، (زبانشناسان این شیوه را آمیزش قرضی نام نهاده اند) که در آن لغت "پلیمر" بدون ترجمه پذیرفته شده است .

۱۰- استفاده از عناصر زنده زبان .

۱۱- پذیرش این نکته که گاهی ممکن است لغت معادل ، از لغت اصلی طولانیتر باشد مانند دروازه بان بجای گلر ، و اگر قرار باشد ترجمه را کوتاه کنیم ، معنا فدا میشود . مانند "پروندان" بجای "پرونده دان"

۱۲- با توجه به خصلت ترکیب پذیری زبان فارسی ، تا سه ترکیب براحتی قابل پذیرش است مانند : برف پاک کن ، گلگیرسازی .

۱۳- وجود چند لغت برای یک مفهوم یا شیء عیبی ندارد و هر کدام کاربردهای خاص خود را دارند چنانکه به «خودرو» ، ماشین و اتومبیل نیز میگویند .

همچنین از روشهای زیر پرهیز شده است :

- ۱ - واژه سازی بدیع ، مانند خَفَن بجای حیرت انگیز
- ۲ - ترخیم ، مانند دس بجای دست
- ۳ - سر واژه سازی ، مانند ناجا بجای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی
- ۴ - آمیزشی ، مانند عکاشی بجای عکاسی و نقاشی (برای دیدن این نوع روشها رک : مبانی صرف واژه ها . صص ۸۵ به بعد)

شرح جدول :

در اولین ستون این جدول لغت علمی بزبان انگلیسی و بعضاً فرانسوی نوشته شده است که برای جلوگیری از تداخل ، هر کجا لغت فرانسوی بوده با علامت اختصاری (fr) متمایز گردیده است . ستون دوم نام رشته ایست که لغت مربوطه به آن اختصاص دارد . شیمی بیانگر مهندسی شیمی و مکانیک بیانگر مهندسی مکانیک است و نام سایر رشته ها کامل ذکر گردیده اند مانند ، زیست شناسی ، زمین شناسی ، فیزیک ، برق و ...

ستون سوم لغات معادلیست که منابع مختلف راجع به لغت مورد نظر ساخته اند . که در این ستون منظور از « بنیاد » ، بنیاد فرهنگ است که در رژیم گذشته کار اصلی لغتسازی در رشته های مختلف علمی را عهده دار بود . منظور از فرهنگستان نیز فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی جمهوری اسلامی است . در ستون شرح لغت ، لغت مربوطه بر اساس توضیحات همان منبعی که پیش از آن آمده است تشریح میگردد ، به همین دلیل ممکن است در این ستون بلغاتی برخورد کنیم که قبلاً مردود شناخته شده اند ولی بدلیل حفظ امانت در اینجا عیناً بیان گردیده اند مثلاً در شرح polymerization می خوانیم : « عمل بهم پیوستن دو یا چند تکپار برای تولید یک بسپار » در حالیکه قبل از آن ، لغات تکپار و بسپار را مردود اعلام کرده بودیم ! ستون بعدی شرح معایب لغت مورد نظر و نقد آنست در آخرین ستون نیز پیشنهاد جدیدی داده شده است .

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته اند	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهاد جدید
۱	acrodermatitis	پزشکی	پوست آماس پایانکی	فرهنگستان	التهاب پوست دستها و پاها	۱- کاملاً نامفهوم ، بجای « پوست آماس » براحتی میتوان گفت «التهاب پوست» و لغت «پایانکی» هم بکلی مجهول است؟! آیا به پا مربوط است !	التهاب پوست *
۲	acropachyderma	پزشکی	بستر پایانکی	فرهنگستان	ضخیم شدن پوست دست و پا و صورت همراه با تغییر شکل استخوانهای دراز	لغت اصلاً مفهوم نیست!؟	
۳	Aerosol	محیط زیست	هوایز	فرهنگستان	ذرات بسیار ریز جامد یا مایع معلق در هوا ، مخفف هوآویز	۱- نامفهوم ۲- حذف خلاف قاعده ۳- حتی کل لغت « هوآویز » هم بمعنای اراده شده نیست! به معنای کسی یا چیزیست که از هوا آویز شده است یا چیزی که هوا را به آن می آویزند مانند دستاویز!	ذرات معلق
۴	amiloplast	زیست شناسی	نشادیه	فرهنگستان	نوعی دیسه بیرنگ در سلول گیاهی که محل ذخیره نشاسته است .	۱- عیب دستوری : حذف خلاف قاعده : نشاسته ← نشا ۲- نامفهوم : الف (نشا بمعنای گیاه برنج است که در شالیزار می کارند .	«غشاپوش نشاسته ای» (رک به دیسه که معادل آن غشاپوش، تعیین شده بود)
۵	Acidity	شیمی	اسیدینگی	فرهنگستان درسی	میزان اسیدی بودن یک محلول	۱- دستور غلط ۲- عنصر مرده دستوری ۳- بی نیاز از معادل سازی جدید * ینه که بپایان اسم یا صفت می پیوندد پسوند	درصد اسید * - میزان اسید* - حجم اسید

	<p>اتصاف است و جنس را میرساند : زربینه ، چوبینه ، نرمینه ، بنابراین اسیدینه ، یعنی از جنس اسید نه میزان اسیدی بودن محلول * کاربردهای دیگر ینه همگی مرده اند ۱- صفت زمان ساز : مانند : دوشینه سحرگه میان بست و درباز کرد همان لطف دوشینه آغاز کرد ۲ سرچشمه نام چند خوراک : آردینه ، خاگینه ۳ - به کمک نام چند جانور، اسم پوشاک میسازد : پلنگینه ، گرگینه ۴- یک مورد اسم ابزار : مکینه * این لغت نیازی به معادل سازی ندارد و لغاتی چون حجم ، میزان ، درصد ، درجه وجود دارند : - اسیدینه این محلول ۵۰ درصد است . - درصد اسید این محلول ۵۰ درصد است . - میزان اسید این محلول ۵۰ درصد است . - حجم اسید این محلول ۵۰ درصد است .</p>						
۶	Anabolism	زیست شناسی	فراگشت	فرهنگستان	فرآیندهای شیمیایی ترکیبی در موجودات زنده	بی معناست . فراگشت فقط میتواند بمعنای « فرا تر از گردش کردن » باشد زیرا گشت یا «اسم» است به معنی « گردش کردن » ، یا فعل ربطی است یا فعل تام است . الف) اگر فعل تام باشد باید دانست که « فرا » وقتی به فعل می پیوندد دو معنا دارد ۱- همراه بودن کار با فعل را میرساند مانند « فرا رسید » یعنی رسید و به آن پیوست ، در جمله « آب به دیوار خانه فرا رسید » در این حالت «فراگشت»	« ترکیبات پیچیده شیمیایی»*

	معنای ندارد . ۲- معنای تأکیدی میدهد مانند « فراگرفتن » ، در این صورت هم «فراگشت» یعنی « حتماً گشتن » و ربطی به «فرایندهای شیمیائی» ندارد! ب) اگر گشت اسم باشد ، « فراگشت» به معنای « بالاتر از گردش» است که باز هم ربطی به « فرایندهای شیمیائی» ندارد!						
آویزه درد ، زیرا آویزه را یک عضو بدن گرفته ایم و در بدن هر عضوی که درد میکند نام آن عضو را با درد ترکیب کرده نام بیماری را میسازیم مانند : سردرد ، پادرد ، دل درد ، گلو درد ، و ... ضمناً خود آپاندیس لغت جا افتاده ایست .	۱- عیب دستوری ۲- کم مفهوم ۳- نیاز به ترکیب جدید ندارد : اولاً آویزه آماس درست است و حذف «ه» بیدلیل و خلاف دستور است ثانیاً آویز را معادل آپاندیس گرفته ایم و بنابراین عضوی از اعضاء بدن است و میتوان از لغت «درد» استفاده کرد نیاز به آماس نیست .	عفونت و آماس آپاندیس	فرهنگستان	آویز آماس	پزشکی	appendicits	۷
۱- مدافع تن* ۲- بدن بان*	۱- ترجمه تحت اللفظی ۲- عنصر دستوری مرده ۳- نامفهوم .	پروتئینی است که در جانوران ، زمانی که یک ماده خارجی وارد بافتهای آن	بنیاد	پادتن	زیست شناسی	Antibody	۸

		شده است به وجود می آید و با آن ترکیب می شود .	زیرا پادتن به معنای «ضدتن» است در حالی که «آنتی بادی» «ضد دشمنان تن» است و «مدافع تن»	۳- دشمن ستیز* نامگذاری بر اساس کار انجام شده			
۹	antigen	زیست شناسی	پادگن	فرهنگستان	هر ماده میکروبی یا سمی است که ورود آن به بدن سبب ایجاد «پادتن» بشود پادگن از جنس بدن نیست	۱- عنصر دستوری مرده: ۲- لغت نیمه فعال «گن» به معنای جنس ۳- ترجمه تحت اللفظی ۴- نامفهوم	۱- ضد بدن* ۲- بدن ستیز* ۳- سم*، زهر* (توضیح اینکه سم و زهر لغات تازه ای نیستند اما برای ترجمه antigen تازه اند .
۱۰	Back bone	کامپیوتر	مازه	فرهنگستان	شبکه ای با ظرفیت مجراهای ارتباطی زیاد که بعنوان ستون فقرات یک شبکه بزرگ شبکه های کوچکتر را بهم مرتبط میسازد .	اگرچه مازه به معنای ستون فقرات است اما لغت رایج و مفهومی نیست !	مرکز انشعاب*
۱۱	Calcinations	شیمی	تکلیس	- فرهنگستان	گرم کردن یک ماده در مجاورت هوا تا دمای زیاد ، اما پائین تر از نقطه ذوب است تا رطوبت یا مواد فرار آن از بین بروند مانند تکلیس سنگ آهک که پس از گرم شدن گاز کربنیک خود را از دست میدهد $\text{caco}_3 \rightarrow \text{cao} + \text{co}_2$ چون این عمل نخستین بار برای	۱- نامفهوم ، در زبان عربی، به کلسیم ، تکلیس میگویند ، لذا آن را به باب تفعیل برده ، لغت تکلیس را به معنای «کلسیم سازی» ساخته اند . اولاً اگر قرار باشد ترجمه تحت اللفظی کنیم بهترست آن را «کلسیم سازی» بنامیم که مفهوم آن باشد ، ثانیاً بهترست آن را مفهومی ترجمه کرد و این عمل را «زائد زدائی» نامید زیرا طی آن مواد زائد ، از هر ماده دلخواه جدا میشوند .	-کلسیم سازی* -تکلیس -زائددائی*

		آزادسازی کلسیم بکار رفته است نام آن را تکلیس گذاشته اند .					
۱۲	Chemical oxygen demand	محیط زیست	خاش ، خواست اکسیژن شیمیائی	- فرهنگستان - بنیاد	مقدار اکسیژنی که برای اکسیداسیون آلودگیهای موجود در پساب باید مصرف شود .	۱- مخفف خلاف روح زبان فارسی ۲- ترجمه کامل تحت اللفظی آنها مفهوم نیست	- «اکسیژن آلودگی بر نامگذاری بر اساس مفهوم و کاربرد
۱۳	Chloroplast	زیست شناسی	سبزدیسه	فرهنگستان	دانه های ریز دارای سبزینه که در یاخته های گیاهی یافت میشود .	۱- معنایی : با توجه به معانی دیسه ، سبز دیسه میتواند بدو معنا باشد ۱- شبیه سبز ۲- سبز رنگ ، که هیچکدام مفهوم ارائه شده را نمیرساند	- سبزینه دار * یعنی چیزی که سبزینه دارد
۱۴	compandor	مخابرات	فشرگستر	فرهنگستان	سیستمی که سیگنال را در فرستنده فشرده و درگیر شده و باز میکند	۱- عیب دستوری ۲- نامفهوم حذف بیدلیل دارد : فشارنده و گسترنده تبدیل به «فشرگستر» شده است و مفهومی هم ندارد.	«جمع کن ، بازکن»
۱۵	Cul-de-sac	ترافیک	بُن گرد	فرهنگستان	کوچه بن بست که در انتهای آن محل مخصوصی برای دور زدن وسایل نقلیه در نظر گرفته میشود.	۱- عیب مفهومی دارد ۲- خلاف ذوق است . بن گرد ، یعنی کسی یا چیزی که انتهایش میچرخد ! نه جایی که بتوان در آن دور زد!	مردم برای چنین مواقعی از جمله استفاده میکنند مثلاً میگویند «از ته کوچه دور بزن» «ته کوچه جای دور زدن دارد» ، «ته کوچه جای دوربرگردان دارد»

صدای ترکیدن	۱- معنای غلط ۲- دستور غلط ۳- ترجمه نمی خواهد اولاً از مصدر جعلی جرقیدن ، اسم مصدر نادرست جرقش ساخته اند ، ثانیاً جرقه و جرقه زدن بمعنای صدا دادن نیست ، ثالثاً صدائی که از چیزی برمی خیزد ، نیاز به ساختن لغت تازه ندارد!	بصدائی گفته میشود که از ترکیدن یا شکاف برداشتن بلورهای بعضی مواد هنگام گرما دادن انجام میشود .	بنیاد	جرقش	شیمی	decrepitation	۱۶
- دیرکرد - جریمه - خسارت - جریمه تأخیر	۱- بی نیاز از ترجمه ۲- دستوری اولاً این لغات از لغاتی است که نیازی به ترجمه خاص و معادل گذاری ندارند بلکه بصورت عمومی بچنین حالاتی خسارت یا دیرکرد یا جریمه میگویند . ۲- دیرانه ترکیب « قید + انه » است که در زبان نداریم ، بفرض ساختن هم باز این ترکیب صفت است نه اسم و نمیتواند بجای «خسارت» که اسم است بکار رود .	خسارت تأخیر در تخلیه واگنها که از طرف راه آهن مقصد به راه آهن مبدأ پرداخت میشود .	فرهنگستان	دیرانه	مکانیک (حمل و نقل)	demurrage	۱۷
- تبلور - بلورکردن - بلورسازی	۱- دستور غلط ۲- خلاف ذوق ۳- نامفهوم خلق لغت واشیشش بجای «تبلور شیشه» حقا که از شاهکارهای لغتسازی است .	عمل تبلور شیشه است .	بنیاد	واشیشش	شیمی	devitrification	۱۸
- نیروی مقاوم - نیروی بازدارنده - نیروی مخالف	علاوه بر تمام معایب «برآر» خلاف ذوق هم هست ، چه «پس آر» یعنی استفراغ کن !	درست مخالف برآر، نیروئیست که سبب ایستادن یا کندی حرکت جسم میشود.	فرهنگستان	پسار	مکانیک (هوائی)	Drag	۱۹
۱- درشت مولکول کشسانی ۲- پلیمر	۱- تحت اللفظی ۲- دستور غلط ۳- نامفهوم ۴- خلاف ذوق و هیچ معنا و مفهومی ندارد	بسپاری با خواص کشسانی لاستیک طبیعی	فرهنگستان	کشپار	شیمی	elastomer	۲۰

کشسانی							
«درشت مولکول»* یا «مولکول درشت» نامگذاری بر اساس خاصیت. «مهندسی پلیمر» ← «مهندسی مولکولهای درشت» مثال: -این ماده پلیمر است -این ماده درشت مولکول است.	۱- تحت اللفظی ۲- خلاف قاعده ۳- نامفهوم ۴- خلاف ذوق ابتدا ترجمه تحت اللفظی کرده ، لغت «بسی پاره» را ساخته اند سپس با حذف خلاف قاعده «ی» و «ه» را حذف کرده بسیار را بوجود آورده اند .	مولکول عظیم الجثه ای که از مولکولهای ساده با جرم مولکولی کم ساخته میشوند .	- بنیاد - فرهنگستان	بسیار	شیمی	polymer	۲۱
زبان کوچک	۱- نامفهوم ۲- خلاف ذوق ۳- بیدلیل بر (بالا)+ چاک (شکاف) + نای جمعاً به معنای چیزی که بالای شکاف نای قرار دارد .	زبانه ای که بالای حنجره قرار دارد و مانع ورود غذا به نای میشود در زبان عامه به آن «زبان کوچک» می گویند .	- فرهنگستان - درسی	برچاکنای	زیست شناسی	epiglottis	۲۲
«رها در آب»* یا: «در آب رها»* مثال: -این ذرات	آبوا را مخفف «آب اندورا» گرفته اند . معایب: ۱- نامفهوم ۲- عیب دستوری عیب دستوری این است که حذف خلاف قاعده دارد و عیب مفهومی اینست که خود لغت «آب اندورا» هم به معنای «معلق در آب» نیست تا چه	اصطلاحی است که به کلوئیدهای معلق در آب ، اطلاق می شود به این ترتیب کلیه محلولهای کلوئیدی آبی «آبوا» هستند.	بنیاد	آبوا	زیست شناسی	hydrosol	۲۳

								رسد به مخفف سر و ته شکسته آن ، یعنی آبوا هستند. - این ذرات «آبوا» هستند . - این ذرات «در آب رها» هستند. که جمله دوم نامفهوم اما جمله سوم پیشنهادی ما مفهوم است .
۲۴	ionomer	شیمی	یونپار	فرهنگستان	تکپاری مشابه یون!	تمام معایب تکپار را دارد و اصلاً هم مفهوم نیست .	- درشت ساز یونی* - پلیمر یونی	
۲۵	Ionisation	شیمی	یونش	-درسی - فرهنگستان	شکستن مولکولها توسط الکترولیز به یونهاست.	عیب دستوری: از مصدر جعلی اسم مصدر ساخته اند .	- یونیزه کردن - باردار کردن	
۲۶	isomerism	شیمی	هم پاری	فرهنگستان		معایب همپاری را دارد	هم عنصری*	
۲۷	isomerization	شیمی	همپارش	- فرهنگستان - درسی	فرآیندی که باعث میشود یک ترکیب به همپای آن ترکیب تغییر یابد.	۱- بی معنا ۲- خلاف ذوق ۳- خلاف قاعده (ر ک به همپار) ساختن چنین لغاتی ، مردم را از زبان فارسی دور میکند .	هم عنصری* شدن	
۲۸	Landing gear	حمل و نقل (مکانیک)	-ارابه فرود -فرود افزار	فرهنگستان	پایه یا چرخه که هواگرد با آن بر زمین می نشیند.	۱-نیاز به ساختن لغت خاص جدید ندارد بلکه یک نوع چرخ است و میتوان با آوردن مضاف الیه ، ویژگی آن را تعیین کرد مانند دهها نوع چرخ دیگر :	چرخ فرود	

	چرخ ماشین ، چرخ دوچرخه ، چرخ چوبی ، چرخ بادی						
۲۹	Lift	مکانیک (هوائی)	برآر	فرهنگستان	نیروئی که بر اثر برخورد هوا با سطوح فوقانی و تحتانی بال ایجاد شده و موجب بالارفتن هواپیما یا ادامه پرواز آن می شود.	۱- نامفهوم ۲- ساختار دستوری مبهم ، آیا برآر مخفف برآورنده است؟ که در این صورت چنین تخفیفی درست نیست . آیا برآر فعل امر است ؟ یعنی بالا بیاور؟ که در اینصورت هم اولاً فعل است و نمیتواند بجای اسم بکار رود ثانیاً «بر» در افعال ، همیشه معنای بالا نمیدهد مثلاً در «برگرد» و «برخور» ، بنابراین در مجموع لغت مناسبی نیست و مبهم است	-بالابر (نیروی بالابر) -نیروی محرکه
۳۰	Lift truck	علوم هوائی	افرازه	فرهنگستان	نوعی جرثقیل کوچک برای بلند کردن و جابجائی بارهای سنگین	عنصر مرده دستوری «ه» آلت ساز ، عنصری مرده است .	بالابر چون مهمترین کار لیفت تراک ، بالابردن است .
۳۱	Ribosome	زیست شناسی	رناتن	فرهنگستان	اندامک درون یاخته ای که عمدتاً از رنا (RNA) تشکیل شده و جایگاه سنتز پروتئین است .	۱- دستوری : بجای RNA ، حروف «رنا» را یک کلمه بسیط فرض کرده پسوند تن را به آن افزوده اند و رناتن را بمعنای چیزی که از جنس رنا هست گرفته اند . ۲- معنائی : اولاً لغت نامفهومی است ثانیاً رناتن یعنی «تنش شبیه رناست» نه از جنس رنا . مانند پیلتن.	-اندام پروتئین سازی « نامگذاری بر اساس کاربرد
۳۲	Short take and landing	علوم هوائی	هواپیمای نوبک	فرهنگستان	صورت اختصاری «نشست و برخاست کوتاه»	اگر صرفاً بصورت یک علامت اختصاری باشد عیبی ندارد مانند «نزاچا» یا «ساواک» ، ولی اگر بصورت اسم درآید خلاف روح زبان فارسی است .	از طبیعت میتوان کمک گرفت ، کانگورو چنین خاصیتی دارد و جهشهای کوتاه

میکنند : هوایمای کانگروئی*»							
ذرات معلق	لغت نامفهوم و خلاف ذوقی است .	ذره های جامد یا مایع است که در درون یک گاز پراکنده شده اند .	بنیاد	آندورا	شیمی	Suspension	۳۳
«جداسازی» اسمی کلی است که برای انواع پدیده ها میتوان بکار برد و دلیلی ندارد برای هر نوع جداسازی یک اسم خاص بسازیم . مثلاً میگوئیم : «جداسازی عسل از موم» که کاملاً مفهوم است .	۱-عیب دستوری ۲ - نامفهوم ۳ - بی نیاز از لغت جدید نشستن بجای نشست کردن خلاف دستور زبان فارسی است . ضمناً نشست کردن یا ته نشین شدن معمولاً برای «مخلوط جامد و مایع» بکار میرود .	جداکردن یک مخلوط جامد بوسیله گرم کردن تا اینکه یکی از اجزاء متشکله ذوب شده بتواند جداشود . مانند جداکردن عسل از موم	بنیاد	نشستش	شیمی	Liquation	۳۴
«آب میان بافتی» (فرهنگ معین)	ظاهراً تنابه را به معنای «آبی که منسوب به تن است» ساخته اند! ۱- عیب دستوری زیرا اولاً آیه ، به معنای منسوب به آب نیست زیرا «ه» بر سر اسامی نمی آید جز در دو حالت : ۱- اسم آغاز میسازد : زبان-زبان ، دست -دسته ، پای -پایه ۲- اسم مکان می سازد : دماغه ، گردنه ، بیراهه .	مایع شفافی که در مجاری خاصی به نام مجاری تنابه ای جریان دارد (فرهنگستان) لغت معرب lamf فرانسوی است مایعی است که حول سلولهای بدن قرار دارد و رابط بین سلولهای بدن و خون است و اصل مایع لنف از پلاسمای خون است .	- فرهنگستان -درسی	تنابه	زیست شناسی	lymph	۳۵

	همچنین تناب به معنای آب تن است که ارتباطی با مفهوم ارائه شده ندارد .	(فرهنگ معین)					
۳۶	Molecule	شیمی	مولکول		کوچکترین جزء آزاد یک جسم ساده یا مرکب است که تمام خواص آن جسم را دارد .	لغت مولکول بسیار جاافتاده است اما اگر از روز اول برای آن معادلی ساخته میشد بهتر بود . لغاتی مانند «واحد» یا «پاره» برای مولکول و «ذره» برای اتم مناسب بودند .	- واحد * -پاره* مثال: -یک مولکول آب از چه اتمهایی تشکیل شده است ؟ -یک واحد آب از چه ذراتی تشکیل شده است ؟
۳۷	Nephron	زیست شناسی	گردیزه	فرهنگستان	واحد ساختمانی و کارکردی کلیه در مهره داران	۱- عیب دستوری : گرد را مخفف کرده گرفته اند ۲- عنصر مرده دستوری : «ایزه» مرده پهلوی را که علامت تصغیر بوده است به آن افزوده اند ۳- نامفهوم : گردیزه بمعنای کلیه کوچک!	- «واحد ساختمانی کلیه» * - «واحد کلیه ساز» *
۳۸	Notice for air man	علوم هوایی	هوایاد	فرهنگستان	مخفف یادداشتهای هوایی دستورالعمل های سازمان هواپیمائی کشوری	۱ - دستوری ۲- تحت اللفظی ۳- معنایی ۴ - بی نیاز از لغت جدید حذف بیدلیل دارد و هوایاد به معنای یاد هوا است نه مفهوم ارائه شده و اصلاً احتیاج به لغت خاص و جدید ندارد ، دستورالعمل ، دستورالعمل ، است برای هر کجائی که میخواهد باشد فرقی نمیکند.	-دستورالعمل -فرمان -دستور -دستور پرواز
۳۹	oligomer	شیمی	کم پار	فرهنگستان	پلیمری با جرم مولکولی کم	تمام معایب کسپار را دارد	-درشت مولکول

سبک* -پلیمر سبک زیرا پلیمری است که وزن آن کم است.							
«غشاپوش»* چون محصور در غشاء است .	نامفهوم است ، هیچکدام از معانی دیسه ، ارتباطی با مفهوم ارئه شده ندارد ۱- رنگ ۲- شبهه، ۳- پسوند شباهت مانند طاقادیس	یکی از اندامکهای سلولی محصور در غشاء که در سلولهای گیاهی یافت میشود و وظائف فیزیولوژیکی متفاوتی مانند سنتز و ذخیره سازی مواد را برعهده دارد.	- فرهنگستان	دیسه	زیست شناسی	Plastid	۴۰

نتیجه :

همانطور که در نقد چهل لغت مشاهده شد و در متن مقاله نیز آمد لغات ساخته شده در فرهنگستان علی رغم اصولی که برای خود بر شمرده اند معایبی دارند که اهم آنها عبارتند از : نامفهوم بودن ترجمه ، افراط در استفاده از ترجمه تحت اللفظی ، حذفهای بی دلیل ، رعایت نکردن دستور زبان فارسی ، رعایت نکردن ذوق در لغتسازی و ترجمه لغاتی که نیاز به ترجمه ندارد . بدیهی است رفع این عیوب همانگونه که در این مقاله پیشنهاد شده است نیازمند روی آوردن به مبانی متداولتر و مستحکمتری است .

یادداشتها :

۱ - اگرچه زبان‌شناسان ، این نوع ترجمه را در بعضی موارد پذیرفته اند و آن را اختصارسازی نام نهاده اند. رک : مبانی صرف واژه ، ص ۱۰۸ ، ولی بدیهی است که موارد درست کاربرد این روش ، مانند «ع» بجای «علیه السلام» ، با کاربردهائی مانند فشر گستر تفاوت دارد .

۲ - زبان‌شناسان ، این روش را گسترش استعاری نام نهاده اند . رک : مبانی صرف واژه ها ص ۱۱۰ .

۳ - این روشها بیست و دو روشند که سیزده روش آن بصورت فشرده در اینجا آمده اند برای دیدن شرح کامل این روشها رک امید مجد : ۱۳۸۴ .

۴ - شامل کتابهای : لغت سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی وفنی دکتر خسرو فرشیدورد ، شیوه های لغتسازی و اصطلاح یابی دکتر امید مجد و مبانی صرف واژه دکتر ویدا شقاقی .

Research of 40 words , translated by the Academy of Persian literature and languages with new proffers and modified ways

**Omid Majd
Tehran University**

Today , one of the most important requirements in the Persian language is the translation of various items in foreign languages, esp. the technical terms in different areas of modern sciences . Firstly , the translators should know how to coin new words or how to use the newly coined words . Secondly , the words and terms coined recently should be criticized and their strengths and weaknesses should also be surveyed . Then , in this way , all wrongly coined ones should be omitted . Hence , in this research, general theories of coining new words are put forward . Forty words and terms in different branches of science , are surveyed and analyzed. At the end , certain practical suggestions for some new words and terms are presented by the researcher .

Key words : modern language , grammaticality , conceptual, applied , scientific .

منابع و مأخذ

- ۱- شقاقی ، ویدا . مبانی صرف واژه . نشر سمت . چاپ دوم ۱۳۸۷
- ۲- فرشیدورد خسرو . درباره ادبیات و نقد ادبی . ج ۲ . نشر امیر کبیر . چاپ اول ۱۳۷۹ .
- ۳- فرشیدورد خسرو . دستور مفصل امروز . نشر سخن . چاپ اول ۱۳۸۲ .
- ۴- فرشیدورد خسرو . لغتسازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی . پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی . چاپ اول ۱۳۸۰ .
- ۵- گروه مؤلفان به سرپرستی پرویز شهریاری . فرهنگ اصطلاحات علمی . بنیاد فرهنگ ایران . جلد های ۱ و ۲ و ۳ . چاپ اول ۱۳۴۹ .
- ۶- گروه مؤلفان . فرهنگ اصطلاحات مهندسی شیمی . جهاد دانشگاهی صنعتی شریف . چاپ اول ۱۳۷۰ .
- ۷- گروه واژه گزینی . اصول و ضوابط واژه گزینی . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . ویرایش دوم ۱۳۷۸ .
- ۸- گروه واژه گزینی . واژه های پزشکی ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۷۹ .
- ۹- گروه واژه گزینی . واژه های تخصصی حمل و نقل ریلی ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۷۸ .
- ۱۰- گروه واژه گزینی . واژه های تخصصی حمل و نقل ریلی ۲ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۰ .
- ۱۱- گروه واژه گزینی . واژه های تخصصی حمل و نقل ۲ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۷۹ .
- ۱۲- گروه واژه گزینی . واژه های تخصصی حمل و نقل ۱ فرهنگستان زبان و ادب فارسی - چاپ اول ۱۳۷۹ .
- ۱۳- گروه واژه گزینی . واژه های تخصصی رایانه ۱ و ۲ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۱ .

- ۱۴- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های حمل و نقل هوائی ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۷۸ .
- ۱۵- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های ریاضی کتابهای درسی مدارس ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۲ .
- ۱۶- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های زیست‌شناسی درسی مدارس . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۲ .
- ۱۷- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های شیمی ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۰ .
- ۱۸- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های شیمی ۲ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۱ .
- ۱۹- گروه واژه‌گزینی واژه‌های شیمی ۳ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۲ .
- ۲۰- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های شیمی ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی چاپ اول ۱۳۷۸ .
- ۲۱- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های علوم دامپزشکی ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۷۸ .
- ۲۲- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های علوم زمین فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۰ .
- ۲۳- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های علوم زمین ۳ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۱ .
- ۲۴- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های علوم زمین . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۷۸ .
- ۲۵- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های فیزیک کتابهای درسی مدارس ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۲ .
- ۲۶- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های کشاورزی شاخه‌زراعت و اصلاح نباتات جلد ۱ و ۲ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۲ .
- ۲۷- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های مخابرات ۲ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۰ .
- ۲۸- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های موسیقی ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۰ .
- ۲۹- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های مهندسی محیط زیست و انرژی . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول ۱۳۸۱ .

- ۳۰- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های ورزش ۱ . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ اول
۱۳۸۰ .
- ۳۱- گروه واژه‌گزینی . واژه‌های هنرهای تجسمی . فرهنگستان زبان و ادب فارسی . چاپ
اول ۱۳۷۸ .
- ۳۲- مجد . امید . شیوه‌های لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی در رشته‌های علمی . نشر امید مجد .
چاپ اول ۱۳۸۴ .
- ۳۳- مک‌گرو هیل مترجم محمدرضا افضلی . فرهنگ تشریحی علوم مهندسی . نشر دانشیار .
چاپ اول ۱۳۷۹ .
- ۳۴- منشی زاده . مجتبی . مقاله بررسی واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب
فارسی . مجله زبان و ادب شماره ۲۴ . دانشگاه علامه طباطبائی .
- ۳۵- میرزنده دل احمد . فرهنگ مهندسی مکانیک . نشر امیر کبیر . چاپ اول ۱۳۷۶ .
- ۳۶- نامه فرهنگستان . مصوبه اصول و ضوابط واژه‌گزینی . سال اول . جلد اول . بهار ۱۳۷۴ .